



# دکمه‌های گل من

دکمه‌های لباسم  
هفت تاییشون گل بودن  
دو تا از اون دکمه‌ها  
آویزون و شل بودن

می ترسیدن گم بشن  
صداشونو شنیدم  
می لرزیدن همیشه  
وقتی که می‌دویدم

وقتی که اینو گفتم  
مامان دلش خیلی سوخت  
دو تا دکمه رو محکم  
بانخ و سوزنش دوخت

عفت زینلی

مریم پیروز مهر

